



۲۰۱۸/۱۱/۱۳

ارسالی: داکتر عزیز شمس

## شعوبیه بزرگترین غایلهٔ دروغ سازی و جعل تاریخ

پیوست بگذشته قسمت دوم

تایماز اورمولو آذربایجانی

### ترمینولوژی:

اما شعوبیه و شعوبی از نظر لغت به چه معنی است؟ در لسان العرب ذیل لغت شعوبی آمده است: آنکه از شان عرب بکاهد و از برای عرب فضیلتی نبیند.

لغت شعوبی از شعب مشتق شده است که جمع آن شعوب می شود. و آن توده مردم منشعب شده است. چنانکه در عرب گویند: اول شعب است، بعد قبیله، بعد بطن، بعد فخذ و آخر فضیله، به این قرار شعب به معنی ملت جدا شده است.

برخی دیگر شعب و جمع آن شعوب را از کلام خداوند ماعوذ می دانند که می فرماید: یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا. ان اکرمکم عندالله اتقیکم. ان الله علیم خبیر. (سوره حجرات آیه 12)

ای مردمان بدرستی که ما شما را از مذکر و مونث آفریدیم و گرداندیم شما را از ملت ها و قبیله ها تا بشناسید یکدیگر را. بدرستی که گرامی ترین شما نزد خدا پرهیز گارترین شماست.

شعوبیه چنین تفسیر کرده اند: شعوب عجم ها و قبایل اعراب می باشند. که البته صحیح نیست.

### اشکال مختلف منازعه شعوبیه با عرب:

یکی از مواضعی که عرب به آن تفاخر نموده فن سخنوری و خطابه ایشان است. شعوبیه در تخطئه و تمسخر عرب در کتاب "اللبان و التبیین" چنین می گوید: پس جاحظ به اعراب گوید: کجاست معانی و حکم شما؟ و طریق فکری شما؟ که آن یا از ایرانیان (فرس) آمده یا از یونان یا هند!

**دوم:** آلایت و ادوات و تنظیم لشکریان عرب را به تمسخر می گرفتند، گویی فراموش کرده بودند که اعراب با همین تجهیزات و وسایل ابتدایی موفق شدند دولت فارس (امپراتوری ساسانی) و روم را شکست دهند.

**سوم:** جعل اسناد و کتب. شعوبیه کتاب های فراوان در منقبت اهل عجم و تحقیر عرب تصنیف کرده اند. سعید ابن حمید بختگان ادعا می کرد که از اولاد پادشاهان ساسانی بوده و کتابهایی داشته به نامهای انتصاف العجم من العرب و فضل العجم علی العرب و افتخارها؛ در کتاب جعل شده ابن ندیم بنام «الفهرست» کتابی است که به نام مفاخر العجم به او نسبت می دهند. هیتام ابن عدی نیز در کتب متعدد در مثلب عرب نوشته از جمله: کتاب المثالب الصغیر و کتاب المثالب الکبیر و کتاب المثالب الربیعیه. در کتاب جعلی الفهرست می نویسند سهل ابن هارون حکیمی فصیح و شاعر بود، ایرانی الاصل، شعوبی مذهب و شدید العصبیه نسبت به عرب و او را کتب متعدد است در این باب. به همین ترتیب ابو عبیده معمر بن المثنی که از مشهورترین علما در نحو و اخبار بوده اصلش از یهودیان ایرانی بوده و کتبی در ذم (دشنام) و هتک حرمت اعراب تصنیف کرده است. از آن جمله کتاب لصوص العرب و ادعیا العرب و کتاب فضائل الفرس را می توان نام برد.

کتاب جعل شده ابن ندیم بنام الفهرست به صدها کتاب و رساله از نویسندگان متعدد شناخته نشده ذکر می کند و صد ها صفحه در خصوص این کتاب ها می نگارد. اما نکته جالب توجه این است که در پایان می نویسد که از این همه تالیف چیزی به ما نرسیده است!!! گویا عرب ها و اسکندر مقدونی تمام کتب را در کتابخانه تیسفون آتش زده اند! چون دروغ گو حافظه ندارد ظاهراً در این مملکت به این فراخی بجز تیسفون هیچ جا کسی از این کتاب ها نمی خوانده و یا نگهداری نمی کرده است!!! این در حالی است که اساساً نه زبان پهلوی و نه کتابت میخی در قدیم اساساً اجازه تالیف متون ادبی و علمی و فلسفی و غیره را نمی داده است. شاهد این امر نیز این است که بعد از زمان بسیار طولانی پس از ورود اسلام به ایران فعلی در سایه خط و زبان عربی است که فارسی رشد می کند؛ بطوریکه اگر کلمات عربی را از فارسی خارج کنیم در حقیقت چیز زیادی بنام زبان در آن باقی نخواهد ماند. تاکنون اثری از شعر به پهلوی و امثالهم دیده نشده است. در صورتیکه شعری نباشد خود حدس بزنید وضع

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پاډوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

موسیقی و ترانه های عاشقانه چه می توانسته باشد. و توصیف باربد و خنیاگران پارسی دربار ساسانی تا چه حد غیرواقعی است؟! چیزیکه در دربار ساسانی به آن افتخار میکنند فرهنگ ودانش نیست بلکه داشتن قاشق ها و ظروف مطلا است که ادنا بودن چنین امپراطوری تقلبی را که در سطح آشپزخانه باشد وضاحت می دهد.

بزرگان شعوبیه در ذکر مثال عرب تنها به تالیف و تصنیف کتب اکتفا نکرده اند و از طریق دیگر نیز به مقابله با اعراب پرداخته اند. از آن جمله است دست بردن در ادب عرب و جعل امثال و داستان های فراوان در تایید مدعیاتشان. این امر به مراتب خطرناک تر از موارد پیشین است. این چنین جعلیات را می توان بدو دسته تقسیم کرد:

**دسته اول:** قصه های تحقیر آمیز و گاه شنیع در شرح ادبیات یا امثال عرب که عاری از حقیقت است ساخته اند. هیثم ابن عدی داستانی طویل از این مقوله روایت می کند که خلاصه آن چنین است:

مردی از قبیله تنوخ به قبیله ای از بنی عامر نزول کرد و کنیزی او را پیش آمد و پرسید از کدام قبیله ای؟ گفت از تمیم. پس کنیزک ایبائی گفت در دم بنی تمیم. مرد او را گفت من از تمیم نیستم بلکه از قبیله عجل هستم. کنیزک مشابه آنچه گفته بود در دم قبیله عجل انشا کرد. سپس مرد به ترتیب قبایل عرب را ذکر نمود و کنیزک ایبائی در دم ایشان می گفت تا اینکه اکثریت قبایل را بر شمرند و نوبت به بنی هاشم رسید.

**دسته دوم:** انتساب فساد و هرج و مرج به عرب و اغراق و مبالغه نسبت به آنچه از فارس آمده. یعنی بزرگ کردن و غلو در مورد ادبای فارس. مثلاً از عقلائی نظیر بوذرجمهر امثال و روایات زیاد به بهترین و بدیع ترین وجه ممکن بیان داشته اند. به پادشاهان حکم و سیاسات فراوان نسبت داده اند و بدیشان تا آنجا که در توان قلم و گفتار بوده لباس مجد و عظمت پوشانده اند. از جمله حتی حضرت علی (ع) را خواسته اند به نوعی به ایران امروزه منسوب کنند. مثلاً شعوبیه در حدیثی نقل می کند: شخصی از اصل علی (ع) پرسید. حضرت فرمود: ما جماعت قریش نبط از اهل کوئی هستیم. (کوئی شهری در حدود عراق است که به تیسفون (مدائن) پایتخت ساسانیان نزدیک می باشد.؟؟؟؟)

یا ارج عظیمی که نسبت به سلمان فارسی بخشیده اند تا حدی مسخره است که می گویند اگر سلمان فارسی نبود محمد به پیغمبری مبعوث نشده و پیغمبری او بلا تشبیه مکمل نمی شد. و چیزهایی به او از زهد و حکمت روایت کرده اند که برای دیگر اصحاب متصور نبوده است. از جمله حیات سلمان را بسیار طولانی نوشته اند و گفته اند زمان عیسی مسیح را درک نموده است.

به همین ترتیب جعل حدیث در نزد شعوبیه بنا به خاصیت و عادت، بسیار آسان، شایع و فراوان بوده است. از این جمله است احادیثی در فضیلت ابوحنفیه ایرانی الاصل نوشته اند ( که این اصالت مسخره ایرانگری متأسفانه در 1935 بوسیله رضا خانان استعمار ساخته و دنباله روان آنها ساخته شده است. ) "ان آدم افتخر و انا افتخر برجل من امتی ، اسمه نعمان و کنیته ابو حنیفه" و آنچه به عنوان نمونه هنوز می توان ذکر کرد اثر انگشت زدن شعوبیه در مسائل فقهی دیانت نیز فراوان است. از جمله کفو یا هم وزن بودن و هم شان بودن در امر ازدواج بین موالی و عرب. (برای توضیح بیشتر به کتاب مبسوط اثر سرخسی نگاه کنید.)

تاویل و تطبیق برخی آیات قرآن بر اساطیر و تاریخ باستان منطقه، نمونه برجسته آن؛ تاویل ذوالقرنین بر کوروش هخامنشی. در حوزه فقه اسلامی به خلق قواعدی در کاستن از فشار حقوقی بر اعاجم و تلاش بر به رسمیت شناختن دین باستانی. در حوزه مذهب شیعه شعوبیه تلاش شده تا با ایجاد و تعقیب خط غلو با مایه های اشرافیت نژادی و خونی حوزه باستان و ادغام الهیات تنوی و خط تحریف افسانه؛ کیش شخصیت امامان و ادعای الوهیت برای امامان و تلاش برای تجزیه اصحاب پیغمبر اسلام برخی او هام و خرافات را وارد مذهب کند. بخصوص در دوره غیبت با پشتوانه قراردادن ازدواج امام حسین با دختر یزدگرد و رسمیت دادن به شعائر و سنن باستانی به ادغام اساطیر منطقه در ادبیات مذهبی شیعه پردازد. در قالب جاسازی و جایگزینی مرثیه سیاوش و حماسه رستم در قالب تعزیه و نوحه سرایی بر ائمه به ایرانیزه کردن تمام عیار تشیع اقدام نمودند. (نگاه کنید به کتاب اسلام در ایران اثر محمود افتخارزاده)

آنچه بیشتر مورد تاسف است اینکه شعوبیه در عصری ظاهر شدند و شروع به تبلیغ جعلیت نمودند که عصر تدوین علوم و فنون اسلامی بود. و اینان از زمان اموییه تا حال جعلیات و انحرافات بسیاری ایجاد نموده اند. قطعاً نقش شعوبیه در تاریخ تخریبی اسلام و در جهت فضیلت سازی برای فارس بوده است. فضیلتی بیش از آنکه واقعاً دارا بوده و اگر این گروه و پیرویدان اجازه نشو و نمای عادی برای این قوم می دادند قطعاً امروزه مشکلات مزمنی که به آنها دچار می باشیم این چنین ما را آزار نمی داد. این سازمان سیاسی همچنان که قبلاً هم گفتیم با قدرت گرفتن ملل دیگر بخصوص ترک ها در دربار خلفای عباسی به همان اندازه اعراب سعی در تخریب چهره ترکان نیز داشته اند. شدت و حدت این امر در صد ساله اخیر بخصوص بعد از انقلاب مشروطیت و بخصوص پس از قدرت گرفتن رضا خانان بیشتر و بیشتر شده است.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

## جای پای شعوبیه در عصر معاصر:

با روی کار آمدن رضا شاه و سرآزیر شدن مستشرقین رنگارنگ مزد بگیر اجیر شده از روسیه، فرانسه، آلمان و بخصوصاً دانشگاه شیکاگو آمریکا که دسته از یهودیان آن دانشگاه می باشند از قبیل هرتسفلد؛ گریشمن؛ دیاکونوف؛ ویل دورانت و دیگران که همگی یا خود یهودی بودند و یا همسران یهودی داشتند موج جدید تاریخ سازی و جعل اسناد، راه اندازی شد. روشنفکران دوران پهلوی با اشاره یهود (در پوسته استعمار انگلیس) چنان با استناد به جعلیات شعوبیه و یهودیان آلمان، تاریخ و هویت ملل این سرزمین را تحریف کردند که بازسازی و درست سازی آنها سالهای طولانی وقت می گیرد تا حقایق دوباره بجایش بنشیند و جامعه از مصیبت های عاید رهایی یابد. موضوع جالب آن است که در حدود هزار سالی که از بوجود آمدن شاهنامه می گذشت هیچ سخنی و اثری از فردوسی و شاهنامه در بین مردم نمی بینیم و تا این اواخر می توان گفت که شاهنامه به درستی به ورطه فراموشی سپرده شده بود، ولی چه شد که شعوبیان تازه به دوران رسیده چون پورداوود، دشتی، تقی زاده و ... با هدف مخالفت با اسلام و ملل این سرزمین با بر کشیدن شاهنامه و گرفتن هزاره برای فردوسی و ایجاد بنیاد شاهنامه فردوسی و بازسازی قبر او آنها درست به شکل قبر کوروش به اصطلاح کبیر، توانستند تخم نفاق و تفرقه را در این سرزمین بکارند و بدین وسیله به اهداف اربابان خود دست یابند.

شعوبیه با نابود کردن یا مخفی نمودن نشانه های تمدن هزاران ساله قبل و هزار و چهارصد ساله بعد از سلسله های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و نیز دوران سلوکیان، سعی در اختراع ملت و فرهنگ جداگانه ای نژاد پرست بنام آریا و ایرانی بازی های امروزه اقدام نمودند. این بد اخلاقی تاریخی متأسفانه بعد از انقلاب (به اصطلاح) اسلامی خمینی هم ادامه پیدا کرد و نمایندگان چند از درون و بیرون نظام می توان نام برد. به طور عمده جبهه ملی؛ نهضت آزادی؛ حزب ملت ایران؛ پان ایرانیست ها؛ مجاهدین خلق از اپوزوسیون و گروههایی از حاکمیت منسوب به انجمن حجتیه و برخی عناصر که در رادیو و تلوزیون؛ بانک مرکزی؛ ایران خودرو [موتور سازی] و شورای عالی انقلاب فرهنگی و بسیاری از نقاط کلیدی، فعال از این جمله می باشند. (نگاه کنید به ضمیمه شماره یک) از اقدامات گروه اخیر می توان به نشر برنامه های ترک ستیز از صدا و سیما؛ انتشار اسکناس پنج هزار تومانی با حدیثی جعلی از پیامبر اسلام؛ نامگذاری پریشیا بر محصولات تولیدی ایران خودرو و صدها مثال دیگر اشاره نمود.

پیروان اخیر شعوبیه در قرن معاصر به خلق دروغ های شاختاری همچون نوشته شدن شعر معروف سعدی (بنی آدم اعضای یکدیگرند...) بر سر در سازمان ملل گرفته تا ایرانی جلوه دادن دانشمندان اسلامی از قبیل ابن سینا و فارابی تا سخنورانی همچون نظامی و دهلوی و مولانا گرفته تا مردان سیاسی همچون سید جمال الدین افغانی به ایران امروزه نیز ایایی نداشته اند. در سایه اقدامات همین هاست که اکنون دروغ به قدری در کشور نهادینه شده که به عمق جامعه و سیاست و اقتصاد و نیز دین این مناطق رخنه نموده است حتی مورخ نمایان کشور های همسایه که بغیر زبان فارسی به دیگر زبانها آشنایی ندارند از حماقت و بیسوادی مطلق همان نوشته های بی اساس را در نوشته هایشان تکرار میکنند و بخود می بالند که صاحب علمیت اند. غافل از اینکه زمانه بیدار شده است و جوانان در سدد تفتیک اصل و بدل هستند از یزید چنین اشخاص فاقد هوش که ندانسته از بس تکرار مکرر نوشته های شعوبیه، بجای کسب احترام در جامعه سبب منفور شدن خودایشان در جامعه شده اند و آثار شان نمونه های از فارس زدگی و ایران زدگی امروزه در آینده نیز بر ملا خواهند شد.

یکی از این دروغ های شاختار یاد شده که بیشتر تکرار می شود این است که ملت ایران باهوش ترین ملت دنیاست!! معلوم نیست این نوع تحقیقات را چه کسی انجام داده و چه کسی تایید کرده است. پس اگر ما هم خر شویم و این حرف را بپذیریم آیا جوانان در آینده بما نخواهند خندید که پس چرا صنایع و تکنالوژی مدرن از این منطقه سر نزد، و تا کنون به ساختن یک پالایش گاه نفت نایل نشده اند. عادی ترین چیز ها را ساخته نمی توانند شاید هوش بلند شان در منقبت خوانی و زنجیر زدن آنها خلاصه شده باشد.

توجه نمایند اگر غرب دروازه های تمدن را بروی آنها ببیند آنها توان اینرا ندارند که نفت خام خود شانرا به نفت قابل استفاده تبدیل کنند؟ از این نوع چرندیات بیش از همه، مردم ایران امروزه راکه از ملل متفاوت تشکیل شده اند ضرر می رساند. به نظر نگارنده تنها راه پیشرفت کشور به دور ریختن چرندیات شعوبیه (که تحت نظر فارسیها مجوسی و یهودی ها) و کار و تلاش و عدالت در سایه آزادی و احترام متقابل به تفاوت های ملل همسایه که در یک کشور زندگی می کنند، می باشد و لا غیر.

ادامه دارد .

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنالین په درننبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی